

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۸۷

۱۴ دی ۱۳۸۰

۴ ژانویه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

"یورو" گامی در راه

اتحاد اروپا؟

صفحه ۳

کنفرانس سوم مدوسا

به تعویق افتاد!

صفحه ۳

مدوسا شماره ۸

منتشر شد

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

زنده باد همبستگی کارگری

پیام رحمان حسین زاده بمناسبت همبستگی با کارگران خباز سقز



تلاش بیهوده برای حف نمایندگان واقعی شما در جریان مبارزات و ماکراتی که در پیش دارید، به جایی نمیرسد و چون همیشه از جانب شما کارگران خباز سقز خنثی خواهد شد. در خاتمه بار دیگر تاکید میکنم، که حزب کمونیست کارگری در کنار شما و برای تقویت مبارزه شما در داخل و خارج ایران از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. باز هم به امید پیروزیتان، موفق باشید

رحمان حسین زاده
دبیر کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ادی ماه ۱۳۸۰

تبریک میگوم. اینبار هم اقدام مبارزاتی شما به حرکتی امیدبخش تبدیل شده است. هرکس با تاریخ دو دهه مبارزات کارگران در شهرهای کردستان آشنا باشد، به خوبی متوجه حق طلبی و مبارزات کارگران خباز و تشکل خبازان سقز و حومه و رهبران و فعالین آن در این دو دهه و بویژه در ۲-۳ سال اخیر هست. مبارزه ایندفعه شما گام بلند همبستگی و همسرنوشتی کارگری را در بعد سراسری به واقعیت عملی تبدیل کرد. امیدوارم ابتکار و تلاش شما برای کسب حمایت وسیعترین مراکز و بخشهای کارگری در سراسر ایران تا پیروزی قطعی آن در این مبارزه ادامه یابد. در عین حال اطمینان دارم وعده و وعیدها و وقت گرانیها و امروز به فردا کردنهای مقامات رژیم در مقابل مطالبات برحق شما و

رسالت طبقاتی خود را ایجاب نمودید، بلکه در صف مقدم تجربه مهمی قرار گرفتید. تجربهای که میتواند با ادامه و تکامل و گسترش خود، قدرت عظیم طبقه کارگر ایران را متحد و سراسری به وسط صحنه کشمکشها و تحولات جامعه ایران بکشاند. جهانیان را متوجه این غول خفته کند و سرنوشت نهایی تحولات جامعه ایران را رقم زند. اقدام جسورانه شما به عنوان رویدادی درخشان در تاریخ مبارزات کارگری ثبت میشود. این تجربه را باز هم باید به دست گرفت و تکرار کرد و گسترش داد. صمیمانه دستانتان را میفشارم.

کارگران خباز سقز و حومه!
لغو مصوبه ضد کارگری استانداری و پیشروی تانکونیتان را در مبارزهای که پیشرو دارید،

حمایت تانکونی کارگران ۱۶ مرکز و رشته کارگری از ۱۲ شهر ایران از مطالبات و مبارزات سندیکای کارگران خباز شهر سقز و حومه، تا هم اکنون حرکتی برجسته در جنبش کارگری ایران است. در این تجربه همسرنوشتی کارگری و طبقاتی به روشنی دارد چارچوبهای صنفی، شهری و منطقهای را پشت سر میگذارد. صفتبندی مبارزاتی کارگران افق و چشم انداز سراسری را پیشروای خود میگذارد. این واقعه نقطه عطف مهمی را در مبارزات کارگران ایران نوید میدهد. بیشک لغو مصوبه ضدکارگری رژیم و خواست افزایش دستمزد، انگیزه و فصل مشترک مهمی بین مبارزات کارگران خباز سقز و حمایت کارگران تشکلها و رشتههای کارگری از مبارزه آنهاست. اما همبستگی ایجاد شده کنونی پیامی فراتر را با صدای رسا اعلام میدارد، مبنی بر اینکه: تناسب قوا به نفع مبارزه جویی کارگران به شدت عوض شده است، که دوران ابراز وجود متحد و سراسری برای تحقق مطالبات محوری سیاسی و اقتصادی کارگران است. که دوره ایجاد صف بندی سراسری کارگری در دل تحولات سرنوشت ساز جامعه ایران است. شرایط مساعد به وجود آمده است. به میدان کشیدن جنبش کارگری در بعد سراسری و بویژه در رشتههای کلیدی کارگری مستقیما به عملکرد رهبران و فعالین پیشرو جنبش کارگری، تشکلهای رادیکال کارگری و حزب کمونیست کارگری گره خورده است. این پیام را باید دریافت و منطبق با آن پا پیش گذاشت.

به تشکلها و رشتههای

کارگری حمایت کننده

از کارگران خباز سقز

رفقا! شما با اعلام همبستگی و با اقدامات حمایتی خود از مطالبات و مبارزات کارگران خباز سقز و حومه نه تنها

احزاب سیاسی و راه حل های آنها برای جامعه ایران

صفحه ۴



مصطفی صابر

حق اشغال مجموعه وسیعی از مقامات قضایی، امنیتی، دیپلماتیک، نمایندگی مجلس و اداری محروم خواهد بود. خیلی زود لحن و بیان قوه قضاییه و سایر مقامات جناح راست عوض شد و از اینکه "اختلاف مجلس و قوه قضاییه سطحی است" سخن گفتند. یک ذره مانده بود که "وفاق"، لاقل

صفحه ۲

مملکت کروی،

نگرانی امیر عبدالله!

جنگ جناح ها مغلوبه میشود. مثل صحنه های دعوا در فیلمهای کارتون گاه دست و پا و کله ای از میان توده چرخان غبار بیرون میزنند، مکرر صدای خرد شدن و ضربات متعدد بگوش میرسد، اما دقیقا معلوم نیست کی میزند و کی میخورد، کی قرار است از آن پیروز بیرون بیاید. آنچه که مسلم است هر دو طرف را وحشت مرگ و فروپاشی فرا گرفته و در تلاش دیوانه وار برای بقاء بسوی استفاده از تمام وسائل "حل و فصل" دعوا سیر میکنند. قوه قضاییه کوشید با فرستادن چند نماینده به زندان

درسهایی از مبارزه کارگران خباز سقز

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

درسهایی از مبارزه کارگران خباز سقز

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

مبارزه کارگران خباز سقز و حمایت کارگران خباز و اصناف دیگر در نقاط مختلف کشور از آنها (به اطلاعاتی که حزب رجوع کنید) درسهایی آموختنی دارد:

۱. این مبارزه ای بر سر دستمزد و افزایش دستمزد است. حرکت کارگران سقز و موج حمایت از آن می‌تواند شیپور یک مبارزه سراسری برای افزایش دستمزد را به صدا درآورد. با توجه به اینکه اکنون در نیمه دی ماه قرار داریم و دو ماه بهمن و اسفند (ماههایی که سنتا مبارزه برای افزایش دستمزد اوج می‌گیرد) در پیش است، چنین امیدواری موجه است. مبارزات کارگری در ماههای گذشته عمدتا حول گرفتن دستمزد (در واقع مبارزه با بیکارسازی) و به ندرت افزایش آن متمرکز بوده است. دقیقا بدلیل وجود بیکاری میلیونی و آویزان بودن ذوالفقار بیکارسازی حکومت اسلامی سرمایه بر بالای سر کارگران، مبارزه برای افزایش

دستمزد شکل حاد و سراسری به خود نگرفته است. حال آنکه هرکسی میداند که کارگران برای گران خود باید به شغل های مختلف و ساعات طولانی اضافه کاری تن بدهند. باید این معادله شوم را بهم زد. باید بخش های مختلف و مراکز بزرگ کارگری برای افزایش دستمزدها به میدان بیایند. حرکت کارگران سقز لازم است به همه جا سرایت کند.

۲. مبارزه کارگران سقز و حمایت مراکز دیگر از آنها، امکان پیری مبارزه سراسری کارگری را پیش چشم همه قرار داده است. این البته ابتدا به ساکن نبود. از اول ماه مه امسال، چنانکه همانموقع نوشتیم، حال و هوای تازه ای در جنبش کارگری استنشاق میشد. نساجی های اصفهان طی ماههای گذشته بارها درجه ای از اتحاد فرا کارخانه ای، رشته ای - منطقه ای را به نمایش گاشته اند. اما حرکت خبازهای سقز و حمایت از آنها، چهارچوب رشته ای و منطقه ای را در می نوردد. کارگران اصناف دیگر، از آنسوی ایران از مبارزه خبازان سقز حمایت کرده اند. اینهم باید سرمشق قرار گیرد.

۳. شکل عمده اعتراضات

کارگری در ماههای اخیر اجتماعات خیابانی، تظاهرات در برابر مراکز دولتی، جاده بستن و نظیر اینها بوده است. این یک جهت گیری درست کارگران برای بسیج نیروی اجتماعی و سیاسی برای گرفتن خواسته های خود بوده است. کارگران خباز سقز دارند قدم مهمی در این جهت به جلو برمی دارند. آنها ضمن اینکه مقامات را به برپایی اجتماع خود و خانواده های خود تهدید میکنند، در عین حال با استفاده از همه امکانات تبلیغی و ارتباطی به بسیج مردم در سطح شهر، استان و کشور دست میزنند. این باید مورد توجه کارگران برای مثال نساجی های اصفهان قرار گیرد و با طرح و نقشه روشن، با فراخوانهای کتبی به مردم، با برپایی پیکت در برابر کارخانه مختلف، با ارسال اخبار اعتراضات خود به رادیوها و رسانه ها و غیره، نیروی اجتماعی برای حرکت خود جمع آوری کنند. تجربه نشان داده است که اعتراض کارگران یک کارخانه ولو سرسختانه و رادیکال میتواند در انزوای خودش سرکوب شود و به نتیجه لازم دست نیابد.

۴. کارگران خباز سقز با چنگ و دندان از تشکل خود، سندیکا، و از رهبران خود دفاع کرده اند. در عوض رهبرانشان نیز به مجمع عمومی و بسیج و دخالت توده کارگران متکی بوده اند. متأسفانه با وجود اعتراضات گسترده در بخش هایی از طبقه کارگر، با وجود برپایی مجمع عمومی اینجا و آنجا، ما هنوز شاهد پاکبازی تشکل های علنی کارگری، بویژه یک جنبش وسیع برپایی مجامع عمومی نیستیم. رهبران کارگری با اسم و رسم و مشخصات در محدوده وسیع شناخته شده نیستند. خیلی جاها کارگران هنوز خود را از شر شورای اسلامی و خانه کارگر به تمامی رها نکرده اند. تجربه کارگران خباز سقز با صدای بلند تمام کارگران ایران را به ضرورت ایجاد تشکل های واقعی کارگری، منظم کردن مجامع عمومی و به جلو صحنه راندن رهبران آگاه و جسور کارگری فرامیخواند.

۵. نباید از نظر دور داشت که کارگران خباز سقز در محیط اجتماعی کردستان فعالیت میکنند که در آن، تحزب بطور کلی بالاتر است و بویژه کمونیسم و چپ از نفوذ وسیعی برخوردار است. این یک بار دیگر پیوند و

نزدیکی نفوذ سوسیالیسم و کمونیسم با اتحاد و پیشروی کارگران را به نمایش میگذارد. در سراسر ایران طیف وسیعی از کارگران رادیکال و سوسیالیست وجود دارند و در مقاطعی میتوان درجه نفوذ و قدرت وسیع این طیف را در طبقه کارگر دید. اما متأسفانه این طیفی پراکنده، نامتشکل و ناتوان از تاثیرگذاری منظم و نقشه مند در محیط پیرامون خود و اوضاع سیاسی کشور است. باید این وضع را عوض کرد. باید به صفوف حزب کمونیست کارگری پیوست و جایگاه ویژه ای به رشد و نفوذ توده ای کمونیسم کارگری داد.

۶. بالاخره اگر یک حرکت متحد کارگران خباز با وجود عده نسبتا قلیل خود تا ایندرجه شور و شوق در محیط خود ایجاد میکند، تصورش را بکنید اگر غولهایی مثل کارگران نفت، توانیر، راه آهن، ذوب آهن، ایران خودرو، تراکتورسازی تبریز، ماشین سازی اراک و غیره پا به میدانی بگذارند که کارگران خباز چهارچوبه آنرا ترسیم کرده اند، چه ولوله ای در ایران به راه خواهد افتاد. جامعه ایران تشنه یک انقلاب رهاثیبخش کارگری علیه جمهوری اسلامی و نکبت سرمایه داری است. ■

از صفحه ۱

مملکت کروی، نگرانی امیر عبدالله!

در بین عقلا، حاصل شود که یکباره روزنامه کیهان بقول بهزاد نبوی "موش" دیگری ول کرد. کیهان بخور و بجایهای پسر آیت الله جزایری و حق و حساب های او به ۶۰ نماینده مجلس را بزرگترین تیتیر روزنامه اش کرد. (و ادعا کرد که دو سه ساعت بعد نسخه های روزنامه نایاب شد!) اما کیهان به کاهدان زد. چرا که جمهوری اسلامی جمهوری فساد و ارتشاه بخور و بجاپ است. هر لفت و لیس جدی را که دنبال کنید ته اش به بیت رهبر (ولی نعمت مستقیم کیهان)، شبکه های رفسنجانی، مقامات دولتی و سایر "بزرگان نظام" ختم میشود. (هفته پیش در گردهمایی مدرسین حوزه در قم، رفسنجانی با لحنی وحشت زده و نگران هشدار داد که نباید اجازه داد به بهانه مبارزه با فساد "آبروی

روحانیت و بیوت علما" را ببرند! رسالت هم، روز بعد حمله کیهان، در سرمقاله اش ضرورت مبارزه با فساد از طریق سران سه قوه، و نه فقط قوه قضاییه را مورد تاکید قرار داد!) کیهان از "خط قرمز" عبور کرد و دوم خردادی ها ضد حمله ای را علیه کیهان، قوه قضاییه و به این اعتبار کل جناح رقیب، سازمان دادند. اسم توسری چهاردهم آقا به مجلس ششم را "برلین ۲" گذاشتند، از سناریوی گسترده برای براندازی مجلس اسلامی سخن گفتند و کوشیدند "بازدارندگی فعال" به جا بیاورند. سر لمپن کیهان، شریعتمداری، کلاه مخملی را روی ابروها کشید و خونسرد جواب داد: "اضطراب مکن، تازه اول کار است!!" اول کار است یا آخر کار؟ اظهارات کروی در یک مصاحبه مطبوعاتی (ایرنا چهارشنبه ۱۲ دی) اوضاع کنونی جمهوری اسلامی را با وضوح تصویر می کند: کروی میگوید که به توافق در جلسه سران سه قوه و آزادی لقمانیان و لغو حکم زندان دو نماینده دیگر مجلس امیدوار است. خبرنگاری میپرسد: "ولی همیشه سران قوا یک چیز میگویند و بدنه کار

دیگری میکند؟" کروی جواب میدهد: "مملکت ما همین است!" خبرنگار دیگری سوال میکند: "آیا صحت دارد که امیر عبدالله ولیعهد عربستان خبر دستگیری لقمانیان را به شما داد؟" کروی: "خیر. صحت ندارد. ولی امیر عبدالله مدام میگفت که از اوضاع ایران و اختلافات موجود در ایران احساس نگرانی میکنند!" نگرانی های امیر قابل فهم است. سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم ایران تمام منطقه را به لرزه در خواهد آورد و بنوبه خود صحنه سیاسی دنیا را تغییر خواهد داد. الگوهای جدیدی متکی بر رهایی از اسلام سیاسی و حکومت مهبی، و رعایت حرمت انسان و تحقق آزادی و برابری را به تمامی محرومان و آزادیخواهان ارائه خواهد کرد.

اگر در اردوی ارتجاع، در بین دارو دسته های شارلاتان و چاقو کش ملی اسلامی آشوب حاکم است، از اردوی مقابل، اردوی انسانیت، اردوی مبارزه مردم برای آزادی و برابری، خبرهای خوب به گوش میرسد. مبارزه برای سرنگونی طلبی اوج تازه ای گرفته است.

اسلام سیاسی در محاق رفته است و تظاهرات های بعد از فوتبال چون شبی طالبان ایران را تعقیب میکند. اگر حضرات چنین بهم ریخته اند و در کثافات خود غرق میشوند، اساسا محصول این اوضاع است. اکنون کمتر انسان شریفی به آنچه که ما از جمله در کنفرانس برلین بر آن پای فشرديم تردید دارد: جمهوری اسلامی همین است، باید برود. و دارد میرود!

اعتراضات کارگری در این چند ماه رشد چشمگیری داشته است. حرکات امید بخشی حکایت از رشد تشکل و اتحاد سراسری کارگران دارد. (آخرین نمونه حرکت متحد کارگران خباز و برخی دیگر اصناف در نقاط مختلف کشور در حمایت از کارگران خباز سقز است. (از دانشگاهها خبر میرسد که جنب و جوش دانشجویان علیه رفسنجانی و شبه حکومت نظامی روه گسترش است. چپ و کمونیسم در محیط های دانشجویی و دانش

آموزی بیش از پیش مطرح میشود. در سطح شهر و محله اعتراضات گسترش میگیرد، روسی ها بالاتر میرود و رژیم قدرت ارباب و ترور خود را از دست میدهد. وقت متحد شدن کارگران در سطح سراسری و طبقاتی است. وقت برپایی مجامع عمومی و ایجاد شوراهای واقعی کارگری است. وقت آنست که کارگران صنعت نفت و توانیر و ذوب آهن به میدان بیایند. وقت مبارزه برای افزایش دستمزدها و بیمه بیکاری است. وقت از سر گرفتن روسری و بر پایی جنبش لغو حجاب اجباری است. وقت گسترش مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی است. وقت مبارزه با تمام مظاهر حکومت مهبی و دفاع از حقوق مدنی و فردی است. وقت متحد شدن و متحد کردن، وقت پیوستن به صفوف حزب کمونیست کارگری است. ■

یورو گامی در راه اتحاد اروپا؟



علی جوادی

دوازده کشور اروپایی (اطریش، بلژیک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، و اسپانیا) "یورو" را بعنوان پول واحد و مشترک خود برگزیدند. بدین ترتیب برخی از قدیمی‌ترین پولهای جهان با شروع سال میلادی ۲۰۰۲ به تاریخ پیوستند. طی یک پروسه دو ماهه "یورو" در بازاری با جمعیت ۳۰۰ میلیون و اقتصادی به قدرت ۶ هزار میلیارد دلار بطور کامل در جریان قرار خواهد گرفت. انگلستان، سوئد و دانمارک از این پروسه غایب هستند. هم اکنون یورو پس از دلار در مقام دوم ذخیره ارزی جهان قرار گرفته است.

از اول ژانویه تمامی واحدهای اقتصادی، بازرگانی و مالی در اروپا فقط یورو به متقاضیان خود تحویل میدهند. صاحبان ارزهای موجود دو ماه فرصت خواهند داشت تا ارز خود را به یورو تبدیل نمایند. منظور تسریع گردش یورو، از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۱، مبلغی معادل ۱۳۲ میلیارد اسکناس و ۱۲/۴ میلیارد سکه یورو برای توزیع در اختیار بانکها قرار داده شده است. کلاً ۶۰۰ میلیارد یورو در مدتی کوتاه به گردش در خواهد آمد. این اقدام بزرگترین پروژه اتحاد مالی در جهان پس از پایه‌ریزی دلار در سال ۱۸۷۲ است.

اتحاد پولی و مالی اروپا بخشی از پروژه سیاسی و دیرینه اتحاد اروپا و ایجاد "اروپای واحد" است. یورو از نقطه نظر سرمایه و طبقه حاکمه اروپا مکانیسمی برای ادغام و اتحاد اقتصادی و متعاقب آن تامین ملزوماتی برای انتگراسیون کامل سیاسی اروپا است. یورو طرح سرمایه در اروپا برای یکپارچگی است. این قطب اقتصادی میتواند ابزاری در دست طبقه حاکمه کشورهای اصلی اروپا، فرانسه و آلمان، بمنظور ایجاد یک قطب اقتصادی و همچنین سیاسی در سطح جهان در مقابل آمریکا و یا نیرویی برای محدود کردن حوزه قدرت اقتصادی آمریکا باشد. بی جهت نیست که آلمان از "مارک" پر قدرت خود میگردد. فرانسه نیز به ایده "اروپای واحد" تن میدهد. سؤالی که اکنون با گردش یورو با سرعتی بیشتر از گذشته به گردش در آمده است،

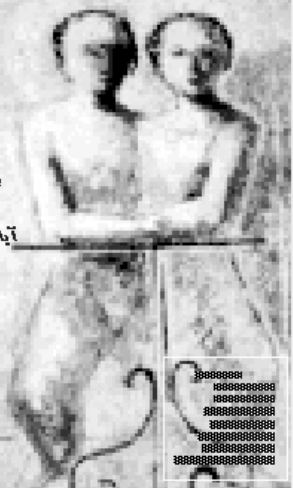
مسئله اتحاد سیاسی اروپا است. اتحاد کامل اروپا چگونه و طی چه پروسه‌ای متحقق خواهد شد؟ اروپای واحد تحت کدام پرچم سیاسی و اجتماعی شکل خواهد گرفت؟ آیا ما در میان مدت شاهد شکل‌گیری "ایالات متحده اروپا"، موجودیتی مشابه "ایالات متحده آمریکا"، خواهیم بود؟ معضلات تحقق چنین پروژهای برای سرمایه در سطح اروپا متعدّدند. تاکنون یک واحد پولی بدون پشتوانه یک قدرت سیاسی واحد و یکپارچه، بدون برخورداری از نیروی سیاسی دولتی در حوزه عملکرد خود، وجود نداشته است. آیا یورو قادر خواهد شد بدون یک قدرت سیاسی یکپارچه برای مدتی طولانی پایدار بماند؟ در دراز مدت تحقق چنین پروژهای ناممکن است. یا سرنوشت سیاسی اروپا باید یکسره شود، یا یورو بمثابة یک پروژه مالی شکست خواهد خورد. راه سومی وجود ندارد. اما در حال حاضر سرمایه سیاسی هنگامی در اروپا صرف‌تأمین موفقیت یورو شده است. شکست یورو، هرچند غیر ممکن نیست، اما بنظر واقعیتی غیر محتمل خواهد بود. پیروزی یورو اما از ملزومات و شرایط کامل برخوردار نیست. مسئله قدرت سیاسی واحد اروپا تنها یک معضل این پروسه است. اقتصادهای ناهمگون، با آهنگ رشد و رکود اقتصادی متفاوت یکی دیگر از معضلات این پروسه هستند. بمثابة یک پروژه اقتصادی موفقیت یورو مستلزم موفقیت اقتصاد کشورهای درگیر است. تفاوت‌های فرهنگی و زبانی در سطح اروپا از جمله مشکلات عدیده دیگر در راه تحقق اروپای واحد هستند. آنچه که سرمایه "کندی" نقل و انتقال و جابجایی نیروی تولیدی و کار در سطح اروپا می‌نماید، مانعی دراز مدت در این راستا است. از طرف دیگر عدم حضور انگلیس از یکطرف و سوئد و دانمارک از طرف دیگر از دو زاویه متفاوت در این پروسه کل پروژه تحقق پروژه اروپای واحد را تا حدود زیادی بی معنی خواهد کرد. انگلیس حاضر به تن دادن به قرار داد اجتماعی اروپا و برسمیت شناختن سطحی دیگر از حقوق مدنی شهروندان نیست. سوسیال

مدوسا شماره ۸ منتشر شد

8
Medusa

مدوسا

آزادی زن مرز ندارد
اسلام خود مشکل فمیت
اعتراف مونا سالیان
زنان افغانستان در چنگال طالبان
(مصاحبه با راوا)
برخورد ویژه به زنان مهاجر ممنوع
تجاوز برای سرکوب
آپارتاید جنسی محصول فسلام سیاسی
زنان در خاورمیانه
شکست اسلامها در مصر
علیه سنگسار
زیر حجاب وحشت
انقلاب آتیر و رهائی زن



مطالب این شماره:

آزادی زن مرز ندارد / اسلام خود مشکل است / اعتراف مونا سالیان / زنان افغانستان در چنگال طالبان (مصاحبه با راوا) / برخورد ویژه به زنان مهاجر ممنوع / تجاوز برای سرکوب / آپارتاید جنسی محصول فسلام سیاسی / زنان در خاورمیانه / شکست اسلامها در مصر / علیه سنگسار / زیر حجاب وحشت / انقلاب آتیر و رهائی زن

کنفرانس سوم مدوسا به تعویق افتاد!

با کمال پوزش از علاقمندان شرکت در کنفرانس مدوسا اعلام میشود که کنفرانس سوم مدوسا در ماه آوریل ۲۰۰۲ در لندن، انگلستان برگزار میشود. محل و تاریخ دقیق کنفرانس بزودی اعلام میگردد. امیدواریم که این تغییرات مشکلاتی برای دوستان علاقمند به شرکت در کنفرانس ایجاد نکرده باشد.

آذر ماجدی

۳۰ دسامبر ۲۰۰۱

اصغر کریمی 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب: 0046-739 855 837

اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور 0044 7940 416 768

شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465

بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست: 0049174 944 0201

انترناسیونال هفتگی پاسخ میدهد

خوانندگان انترناسیونال هفتگی در نامه های خود درباره مطالب نشریه و مسائل مختلفی اظهار نظر و سوال مطرح میکنند. تلاش میشود به برخی از این نکات که جواب به آنها جنبه عمومی دارد در این ستون پاسخ داده شود.

احزاب سیاسی و راه حل های آنها برای جامعه ایران

۲- چگونه رعایت حقوق و آزادیهای مردم تضمین میشود؟



فاتح بهرامی

چگونه؟

نه تنها در حکومت‌های مستبد و ارتجاعی نظیر رژیم‌های سلطنتی پهلوی و جمهوری اسلامی، بلکه حتی در کلیه حکومت‌های پیشرفته تر بورژوازی نیز مکانیزمی وجود ندارد که بتوان از طریق آن جلو سلب آزادی مردم و تحمیل بی حقوقی به آنان را گرفت. تنها وسیله ای که از طریق آن میشود به این نوع حکومتها افسار زد، مبارزات مردم است، بهمین دلیل مبارزه برای بهتر کردن وضعیت اقتصادی یا حقوق سیاسی و اجتماعی جزئی از زندگی مردم در این جوامع میشود. از اینرو در شرایطی که جامعه در آستانه تحولات سیاسی قرار میگیرد، توجه مردم به احزاب سیاسی و برنامه و روشهای آنها برای حکومت کردن بیشتر میشود. بنابراین توجه به این نکته مهم است که چگونه و در چه نوع حکومتی و با چه ساختار سیاسی میتوان امیدوار بود که حقوق مردم لگدمال نمیشود، آزادیشان سلب نمیشود، و برای سیر کردن شکم و گرفتن دستمزد یا برخوردار بودن از حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی لازم نباشد هر روز دست بگریبان پاسبان و پاسدار شد. در کلی ترین سطح فقط وقتی میتوان از تضمین حقوق و آزادی مردم حرف زد که ابزار تضمین کننده وجود داشته باشد، یعنی اینکه مردم بتوانند اراده شان را اعمال کنند و کسی نتواند آنها را محدود کند و خلاصه اینکه ساختار حکومتی باید طوری باشد که مردم امکان پیاده کردن تصمیم جمعی شان را داشته باشند.

اکثر سازمانها و احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی حرفشان "مردمسالاری" و حکومت دمکراتیک است. تازه اینها به یمن وجود یک حکومت آزادی کش و انسان ستیز مانند جمهوری اسلامی به آلترناتیو خود یعنی "مردمسالاری" افتخار هم میکنند و گویا بر سر مردم منت هم باید بگذارند. گشته از اینکه مردمسالاری حتی ورد زبان خانمی و بخشی از حکومت اسلامی هم هست، اما منظور بهترین هایشان اینست که مثلاً "ولی مطلقه فقیه" ندارند و رئیس جمهور هر چهار سال یکبار آزادانه انتخاب میشود و نمایندگان مجلس هم بدون اینکه فیلتری مانند شورای نگهبان و نظارت استصوابی روی سرشان باشد آزادانه توسط مردم انتخاب میشوند. بعد از انتخابات هم کافی است مردم منتظر باشند که آزادی و برابری و حرمت و رفاه توسط حاکمان دمکرات و مردمسالار به خانه هایشان روانه شود! این نوع حکومت، یعنی دمکراسی، در خیلی از کشورهای جهان برقرار است. لازم نیست درباره تناقض این دمکراسی با حقوق و آزادی مردم زیاد استدلال کرد، فقط کافی است به بهترین دمکراسی های دنیا، مثلاً کشورهای اروپای غربی که سر و وضع مردم آنها به نسبت بقیه دنیا کمی بهتر است، نگاه کرد. از فقر و بی مسکنی و نابرابری تا بی حقوقی و بی حرمتی و تبعیض در این جوامع هم بوفور یافت میشود. دست

خواهند گشت و بهمین دلیل خود را مردمسالار معرفی میکنند. بنابراین حکومت های نوع سلطنتی و پلیسی و استبدادی بجای خود، حکومت های دمکراسی نیز مجرا و کانالی برای احقاق حقوق مردم و تامین و بسط آزادی مردم نیست، اینها هر کسی میتواند در سرتاسر جهان ببیند. دلیلش هم اینست، که این حکومتها روینای سیاسی یک ساختار اقتصادی هستند که اساس آن بر استثمار انسان از انسان بنا شده و قرار بر این است که اکثریت مردم جامعه برای اقلیتی از آن کار کنند و البته این سیستم لازم دارد که یک روینای سیاسی داشته باشد که ضامن بی حقوق کردن انسانها و سلب آزادی آنان باشد.

اما ما، حزب کمونیست کارگری ایران، خواهان حاکمیت شوراهای مردمی هستیم. حکومت شورائی تنها ساختار سیاسی است که میتواند تضمین کننده رعایت حقوق و آزادیهای مردم باشد. دلیل بسادگی اینست که مکانیزم این نوع حاکمیت، شوراهای مردمی، طوری است که کسی نمیتواند حقوق مردم را زیر پا بگارد و آزادی آنها را سلب کند. مردم در هر محله و محیط کار و شهر و استان جمعی تصمیم میگیرند و خود آنرا اجرا میکنند. کسانی که بعنوان نماینده این

یک دنیای بهتر
برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید و آنرا به
دوستان و آشنایانتان بدهید

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد

جمهوری سوسیالیستی!

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org www.jawanan.org
www.wpibriefing.com www.iwsolidarity.com
www.rowzane.com www.medusa2000.com
www.hambastegi.org www.marxsociety.com
www.childrenfirstinternational.org www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England